

راحت طلبی و عافیت طلبی

گفتاری از حجت الاسلام پناهیان در محضر رهبر معظم انقلاب

یکی از آفاتی که همواره متوجه جامعه مسلمین بوده و هست و امامان معصوم همیشه ما را از آن بر حذر داشته اند، عافیت طلبی و راحت طلبی است. این بلیه، نه تنها باعث درجا زدن و رکود معنوی جامعه و فرد می شود، بلکه ممکن است باعث شکست و نابودی یک حرکت و یک جامعه بشود. امام خامنه ای همواره، در دیدار با همه اقشار، اعم از مسئولین، جوانان و عموم مردم، راحت طلبی را یکی از آفات مبتلا به دانسته و آن را یکی از نقاط ضعف انقلاب اسلامی بر شمرده اند و همگان را از آن بر حذر داشته اند. با اندکی تأمل، در میابیم که خیلی از ما کم و بیش راحت طلب هستیم و در بحبوحه ی زندگی جهادی نیز از آن رنج می بریم. نوشته ی پیش رو، سخنرانی حجت الاسلام پناهیان در حسینیه امام خمینی به مناسبت ایام فاطمیه است.



❧ راحت طلبی، اولین گرایشی که انسان تجربه می‌کند

اولین علاقه و اولین گرایشی که ما در خودمان تجربه می‌کنیم «راحت طلبی» است. حتی لذت جویی که یکی از فراگیرترین گرایش‌های ما در طول زندگی‌مان هست و برای همه آدم‌ها به انحاء مختلف، موضوع مطرحی است، بعد از راحت طلبی سراغ آدم می‌آید. گرچه خود راحتی لذت دارد، اما به‌رحال انسان به راحتی علاقه‌مند است. یک نوزاد وقتی به دنیا می‌آید، تا گرسنه‌اش می‌شود، احساس می‌کند ناراحت شده، شروع می‌کند گریه کردن. تا دل درد می‌گیرد، ناراحتی را احساس می‌کند و عکس‌العمل نشان می‌دهد.

ما با راحت طلبی زاده می‌شویم. بعداً گرایش‌های دیگر دنیایی ما، بیشتر تجلی می‌کنند و بعضی از اوقات به خاطر همین راحت طلبی تورم یافته، گرایش‌های دیگر بد و خوبی هم در ما شکل می‌گیرد. شاید اوایلش انسان زیاد حبّ بقاء نداشته باشد؛ نمی‌فهمد من بمیرم یعنی چی، «دوست دارم من زنده بمانم» را ممکن است حس و تجربه نکند، ولی عجالتاً مایل است «ناراحت» نباشد. راحت طلبی یکی از گرایش‌های کلیدی ماست و یکی از شعبات اصلی حبّ‌الدنیاست.

امیرالمؤمنین علی (ع) درباره‌ی طبیعی بودن محبت به دنیا با همه‌ی مذمت‌هایی که در موردش هست، فرموده‌اند «الْإِنْسَانُ أُنْبَاءُ الدُّنْيَا وَالْوَلَدُ مَطْبُوعٌ عَلَى حُبِّ أُمَّه» (غررالحکم/ ۲۳۴۹) مردم فرزندان دنیا هستند، و بچه‌ها مادرشان را طبیعتاً دوست دارند، پس حبّ‌الدنیا طبیعتاً به دل ما می‌آید.

«راحت‌طلبی» اولین مظهر حب دنیا

خیلی وقت‌ها جوان‌ها خودشان را اهل حبّ دنیا نمی‌دانند، می‌گویند آیا ما حبّ مال داریم؟ حبّ جاه داریم؟ ما چه قسمتی از حبّ دنیا را داریم؟ و خیلی‌ها هم جوان‌ها را باصفا می‌دانند. بله، واقعا جوان‌ها، فی‌نفسه، باصفا تر از مسن‌ها هستند، ولی یکی از مهمترین صفات بد دنیا طلبانه، که می‌تواند در جوان‌ها رواج داشته باشد، حتی در جوان‌های به ظاهر خوب که اهل بی‌بند و باری نیستند، همین راحت‌طلبی است. می‌بینی جوان وقتی خودش را لذت‌پرست نمی‌داند، بچه خوبی می‌داند. وقتی خودش را شهوت‌ران نمی‌داند، و می‌بیند که دنبال هرزگی نمی‌رود، خودش را بچه خیلی خوبی می‌داند. اما وقتی دقت می‌کنی، می‌بینی راحت‌طلبی در او موج می‌زند.

وقتی یک دست‌سخت از پدر و مادر، یا از هر کسی، موجب شود کمی ناراحت بهش برسد، برمی‌گردد سریع پرخاش می‌کند. حبّ دنیا همین است دیگر. اولین مظهر حبّ دنیا، در جوان‌ها و حتی نوجوان‌ها که باید برایش یک فکری کرد و باید هم در مقام مذمت و هم در مقام موعظه برایش کم نگذاشت، همین راحت‌طلبی است. راحت‌طلبی است که موجب پرخاش می‌شود. مانند نوزادی که تا دلش درد می‌گیرد بلافاصله گریه می‌کند، این نوزادی است که بزرگتر شده، ولی از نظر رفتار، همان رفتار را دارد.

وقتی ما جلوی این راحت‌طلبی را نگرفتیم، جلوی شهوت‌پرستی را هم نمی‌گیریم. بسیاری از خانواده‌های مذهبی، گله‌مند هستند از اینکه: «بچه ما تا چهارده سالگی کم و زیاد بچه خوبی بود، و حتی نماز می‌خواند. نه تنها خیلی از رفتارهای ناخوب را نداشت، بلکه رفتارهای خوب هم داشت. اما کم کم سر و گوشش دارد می‌جنبید، کم کم دنبال رفقای ناباب است، از لذت حرام چشم نمی‌پوشد و دارد بد اخلاقی می‌کند.» بررسی که می‌کنی می‌بینی در این خانواده از هفت تا چهارده سال، پدر و مادر فرصت داشته‌اند که این بچه را از راحت‌طلبی جدا کنند. اما چون بچه‌اش را دوست دارد، می‌گوید بگذار بچه‌ام «راحت» باشد.

از مدرسه آمده، می‌گوید بگذار جورابش را در بیاورم، بگذار غذایی را برایش آماده کنم. راحت‌طلبی بچه را باهانش مخالفت نکرده. حالا چهارده سالش شده است، و دیگر با شهوات آشنا شده. بچه‌ای که در دوران ادب بین هفت تا چهارده سال ادب نشده، و راحت‌طلبی بیشتر برایش جا افتاده، الان یک دفعه‌ای می‌خواهی بهش بگویی با شهوات مخالفت بکن، قبول نمی‌کند. بهش می‌گویی بیا نماز بخوان، قبول نمی‌کند. چرا؟ آیا چون ایمان ندارد؟ نه به خدا، ایمان دارد. آیا محبت به اهل‌بیت (ع) و اولیاء خدا ندارد؟ چرا، دارد، می‌بینی که محرم‌ها کم نمی‌گذارد برای امام حسین (ع)، اما کاهل‌نمازی می‌کند. اما دست‌درازی می‌کند به سوی گناه.

🌸 جشن ادب

چه جوری باید این را کنترل کرد؟ برای خود جوان هم سخت شده است که با گناه و با شهوات مبارزه کند. یکی از دلایل اساسی اش این است که از هفت تا چهارده سال، کسی او را ادب نکرده. گفتند: «حالا بچه خوبی است، بگذار طبق میل خودش رفتار بکند، حالا کار خاصی که انجام نمی‌دهد، جنایت خاصی که انجام نمی‌دهد.» لذا قبل از اینکه در چهارده سالگی برای بچه‌ها «جشن تکلیف» گرفته بشود که سنت خوبی است، باید در هفت سالگی «جشن ادب» گرفته بشود برای بچه‌ها؛ پدر و مادر مسئولیت‌هایی را به بچه بدهند. از آن راحتی قبل از هفت سالگی بچه را با منطق و محبت خارج کنند. دیگر زندگی به این راحتی نیست. او باید اهل مبارزه با راحتی بشود، بدون تعارف. و الا بچه خوب، در خانواده خوب، با علائق خوب، با ایمان نسبتاً خوب و معمولی در همین مقداری که هست، این بچه بعد از چهارده سالگی، نمی‌تواند جلوی شهوات خودش را بگیرد. با راحت‌طلبی باید مقابله کرد.

🌸 فاصله گرفتن از راحت‌طلبی، یکی از عوامل مهم رشد در جبهه‌ها

یکی از صحنه‌هایی که ما در جبهه‌ها می‌دیدیم و در فرآیند رشد این جوان‌ها که یک شبه راه صدساله را طی می‌کردند، اتفاق می‌افتاد، همین جدا شدن از راحت‌طلبی بود. قبل از عملیات والفجر یک، بچه‌ها توی چادری که بودند در آن منطقه پشت عملیات، یک شب به همدیگر گفتند، همین جوری از تکازی، کسی نبود که بیاید بهشون یاد بدهد، می‌گفتند: بچه‌ها! آیا این بد نیست که ما هر چیزی که لازم داریم و می‌خواهیم به از همدیگر می‌خواهیم و به همدیگر دستور می‌دهیم؟ «آن پارچ را به من بده... آن بشقاب را به من بده» همه‌مان تنبل‌بازی درآوردیم. بیایید مردانه عمل کنیم. تصمیم گرفتند و نور این سخت‌کوشی را حس می‌کردند. اگر یک روز کمتر می‌دویدند توی صبح‌گاه، می‌گفتند دلم مکدر شده، سیاه شده. ما می‌دیدیم شهدایی را که به مقام عالی شهادت رسیدند، خب الان می‌گوییم عاشق خدا بودند، چقدر مؤمن به قیامت بودند، اما این فرآیندی که طی شد تا به اینجا رسیدند، چی بود؟ یکی از مراحل بسیار زیبایش، جدا شدن از تنبلی بود.

🌸 بلیه عام‌البلوا در جامعه

راحت‌طلبی یک بلیه عام‌البلواست در جامعه ما. از آن جا که ما یک جامعه دینی داریم، در فرهنگ ما لذت‌طلبی که نزدیک‌تر است به عرصه گناه و عبور از خط قرمز، بیشتر مذمت می‌شود. ولی متأسفانه در فرهنگ عمومی و حتی فرهنگ دینی ما، راحت‌طلبی آنقدر مذمت نمی‌شود. این یک نقص فرهنگی بزرگ است.

رسول گرامی اسلام اگر به یکی دلیلی از یک جوانی خوشش می‌آمد، بلافاصله، می‌فرمود

حرفه‌اش چیست؟ تا می‌گفتند شغل و حرفه‌ای ندارد، بلافاصله می‌فرمودند: از چشم افتاد. (كَانَ رَسُولَ اللَّهِ إِذَا نَظَرَ الرَّجُلَ فَأَعَجَبَهُ قَالَ هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ فَإِنْ قَالُوا لَا قَالَ سَقَطَ مِنْ عَيْنِي؛ جامع الاخبار/۱۳۹) مگر می‌شود؟ بیکار، بی‌عار؟ تنبل؟ ببینید بنده «خوش‌گذران» عرض نمی‌کنم! خیلی خوش‌گذران نیست، شاید عضو پایگاه بسیج هم باشد، اما تنبلی‌اش را دارد. تکان نمی‌خورد. سختی به خودش نمی‌دهد. راحت‌طلبی یکی از شعبات عجیب و غریب حبّ الدنیاست، که جوان و نوجوانی که نه اهل شهوت است، نه اهل معصیت است، نه حبّ مال، نه حبّ جاه، هیچ‌کدام از این آلودگی‌ها او را نگرفته، تقریباً قطعی بدانید او در معرض آلودگی حبّ راحت هست.

و اصلاً این جزء سبد خرید روزانه ما نیست. جزء توجهات روزمره و محاسبه نفس ما نیست که ببینیم ما چقدر راحت‌طلب هستیم. کسی که بلافاصله عصبانی می‌شود و در رفتارهای معمولی به اطرافیان پرخاش می‌کند، راحت‌طلبی در او لبریز شده، و به صورت یک بیماری دارد در او نشان داده می‌شود.

در روایتی می‌فرماید: وقتی یک معصیتی کردی، خواستی جبران کنی، با یکی از کارهای خوب جبران کن، بعد یک مثال می‌زنند می‌فرمایند که مثلاً یک کسی عصبانیت کرد، هیچی نگو، بگذار جبران آن گناهت بشود. (اسْتَغْفِرُوا بَعْدَ الذَّنْبِ أَسْرَعَ مِنْ طَرْفَةِ عَيْنٍ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَبِالْإِنْفَاقِ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَبِكُظْمِ الْعَيْظِ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَبِالْعَفْوِ عَنِ النَّاسِ...؛ مستدرک الوسائل / ج ۱۲/ ۱۲۴) یعنی خودداری از بروز ناراحتی، کفاره گناه است. و اصلاً اگر شما دقت کنید، می‌بینید خدا در مسیر معنوی زندگی برای انسان ناراحتی پیش می‌آورد و پروردگار عالم انسان را ناراحت می‌کند. حتی اگر کسی به آدم ظلم نکند، با سوء تفاهم این کار را می‌کند.

راحت‌طلبی، یک خصلت طبیعی است، یک خصلتی است که از دوران نوجوانی باید باهاش مقابله کرد. پدر و مادر و آموزش و پرورش، هفت سال وقت دارند این راحت‌طلبی را از جان این بچه جدا کنند. بچه‌هایتان را بروید توی مدرسه‌ای ثبت‌نام بکنید که مدیران محترم و معلمین محترم، قبل از آموزش هر کلمه‌ای به بچه، بتوانند این راحت‌طلبی را در او مدیریت کنند. و الا اگر در این مدرسه حفظ قرآن هم بود، بچه‌تان را نگذارید در آن مدرسه. شما به یک عنصر راحت‌طلب قرآن یاد بدهی، بعد او چه موجودی خواهد شد! دین را هم در خدمت راحت‌طلبی خودش خواهد گرفت.

اگر بچه‌تان را می‌خواهید بگذارید در یک مدرسه اسلامی، و دیدید این مدرسه بلد نیست بچه‌ شما را از راحت‌طلبی جدا کند، ولی می‌خواهد محبت اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را بهشان یاد بدهد، نگذارید آنجا، چون این پس‌فردا محبت اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را هم در خدمت توجیه و تئوریزه کردن راحت‌طلبی خودش قرار خواهد داد. آن وقت

می شود جزء کسانی که حضرت امام (ره) در موردشان می فرمود: «ولایتی های راحت طلب!» که جریان هولناکی هستند که کلمات حضرت امام را درباره چنین افرادی برای شما قرائت خواهیم کرد.

مهمترین شاخص موفقیت آموزش و پرورش سالم، نه اسلامی، سالم! چیست؟ این که وقتی دیپلمش را گرفت از مدرسه آمده بیرون، کلمه دلم می خواهد برایش زشت باشد. از خودش خجالت بکشد که بگوید دلم می خواهد. و آلا آموزش و پرورش موفق نبوده. کدام شاخص را شما می توانید به عنوان شاخص برتر از این بیان کنید؟ راحت طلبی گاهی از اوقات جنبه ام الفساد پیدا می کند.

در فرهنگ جامعه هم همین طور است. آقا پسر می رود برای خواستگاری. خب حرفه اش چیست؟ در جایی استخدام رسمی شدند. خوب است دیگر، پولش می رسد. خانواده دخترخانم دیگر کاری ندارند به اینکه آقا شخصیتش چیست. در حالی که شخصیت این جوان خیلی مهمتر از پولش است، مگر این دختر را داری می دهی به پول او؟ داری می دهی به شخصیت ایشان. بگو خب استخدام شدی، سخت کوش هم هستی یا نه؟ یا خودت را آویزان کردی به یک حقوق بخور و نمیر؟ اگر ثابت کرد سخت کوش است، تربیت شده برای سخت کوشی، دخترت را بهش بده. و آلا استخدام رسمی بودن فضیلت نیست. آیا همین که استخدام است و حقوقش می رسد خوب است؟ حالا هر شخصیت شل و ول و تنبلی داشته باشد، اشکال ندارد؟!

آیا استخدام دائم بودن به این معنی که از یک جایی یک حقوق مستمر بیاید، این در فرهنگ ما ارزش شده است؟ نه سخت کوش بودن؟! این فرهنگ معلوم است اشکال دارد. وقتی فرهنگ این جور شود، آن وقت در این فرهنگ شما می خواهی بگویی آقا بلند شو برای نماز؟ بابا! حرف زور می زنی. این برای خودش بلند نمی شود، برای خدا بلند شود؟ امام هادی (ع) می فرماید «مَنْ كَسَلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ؛ کسی که حال ندارد برای دنیای خودش بدود، برای آخرت خودش بیشتر حال ندارد.» (کافی/۹/۵۶۰) راحت طلبی را باید به عنوان یک گرایش زشت و قوی علیه اش قیام کرد. من اینها را می گویم، تا بعضی از روایات و بعضی از کلمات حضرت امام (ره) برایتان آوردم، آنها را بشود اینجا خواند، در جلسه ای که این آمادگی را پیدا کرده می شود آن عبارات را قرائت کرد.

وقت خیلی کم است، من دیگر آن روایاتی که می فرماید: «علم را در سختی به بندگانم می دهم. اما بندگان من به دنبال علم هستند با شکم سیر و با آسایش، نمی شود. راحتی را در دنیا نگذاشتم، بندگان من در دنیا دنبال راحتی هستند، نمی شود.» «وَضَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ وَ الْجَهْدِ، وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي السَّبْعِ وَ الرَّاحَةِ، فَلَا يَجِدُونَهُ... وَضَعْتُ الرَّاحَةَ فِي الْجَنَّةِ

وهم يَطْلُبُونَهَا فِي الدُّنْيَا فَلَا يَجِدُونَهَا؛ عِدَّةُ الدَّاعِي (١٧٩)

از امام صادق (ع) پرسیدند: «أين طريق الراحة؟ ما چه کار کنیم به راحتی برسیم؟ فرمود «فِي خِلافِ الْهَوَى» در مخالفت کردن با هوای نفس؛ با «دلم می‌خواهد» مخالفت کن. بعد گفت «فَمَتَى يَجِدُ عَبْدُ الرَّاحَةِ؟» بنده خدایی که مخالفت با هوای نفس کند، کی به راحتی می‌رسد؟ امام صادق (ع) فرمودند: «عِنْدَ أَوَّلِ يَوْمٍ يَصِيرُ فِي الْجَنَّةِ» روز اولی که وارد بهشت شوی. حل است؟! برو!

راحت‌طلبی را باید مدیریت کرد. اگر بنا شد کار فرهنگی بکنیم، کار فرهنگی که بدون تدبیر امکان ندارد. اینکه هزارتا سرفصل خوب بگذاریم جلوی خودمان، و بگوییم همه اینها را به دست بیاوریم، اصلاً امکان ندارد. شما برای جسم‌تان بخواهید برنامه‌ریزی بکنی این جور نیست، چه برسد به این که بخواهی برای روح پیچیده‌ات این کار را بکنی. آیا مسئولین فرهنگی جامعه ما مفاهیم دینی را مهندسی، طبقه‌بندی، رتبه‌بندی و زمان‌بندی کرده‌اند و اولیت‌ها، اولویت‌ها را مشخص کرده‌اند؟ آیا محور کار فرهنگی را مشخص کرده‌اند؟ الان برای ارتقاء فرهنگ در کشورمان، محوری‌ترین کار چیست؟ محوری‌ترین کار که صدتا کار نمی‌شود، یک دانه است. نه اینکه بگوییم «یکی از محوری‌ترین...، یکی از محوری‌ترین...، یکی از مهم‌ترین...» آیا مهم‌ترین هست؟ مهم‌ترین، یک دانه است، صدتا نمی‌شود.

وقتی وارد کار فرهنگی بشوی، می‌بینی دوتا فرهنگ الان در جهان هست، یک دانه‌اش تازه متولد شده و هنوز رشد نکرده؛ فرهنگ اسلامی انقلابی ماست، که نوظهور است؛ این را باید تکمیل کنیم.

فرهنگ دیگری که در جهان هست، فرهنگ منحن غربی است که فعلاً حاکمیت دارد، و مردم جهان کم و بیش آسیب دیده از آن فرهنگ هستند. آن فرهنگ، مبتنی است بر راحت‌طلبی. محورش «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (فرقان/ ٤٣) آیا دیدی کسی که خدای خودش را هوای نفس قرار داد؟ در آن فرهنگ، راحت‌طلبی تبلیغ می‌شود. نابود باد هر نوع تبلیغی که به نفع راحت‌طلبی باشد. به هر دلیل و زبان و توجیهی. در هر مقطعی و در هر جایگاهی، چون زیرساخت اساسی فرهنگ جامعه را نابود می‌کند. ایمان به خدا هم دیگر کاری برای آن جامعه نخواهد کرد.

- آقا! اگر بنا باشد با راحتی مخالفت کنیم، سَنَسِّسُ رَأْسَنا بِرُءُوسِ هَفْتِ سَنا. خب، انسان رنج می‌برد!

- دنیا برای رنج است عزیز من. پیامبر گرامی اسلام در سخن شریفی فرمودند: چرا از خدا محال تقاضا می‌کنید؟ گفتند آقا! ما که محال از خدا تقاضا نمی‌کنیم، فرمود بله، محال تقاضا می‌کنید. شما راحتی می‌خواهید؟ گفتند خب بله، فرمود راحتی محال است در دنیا. (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِأَصْحَابِهِ لَا تَتَمَنَّوْا الْمُسْتَحِيلَ قَالُوا وَ مَنْ يَتَمَنَّي الْمُسْتَحِيلَ

فَقَالَ أَنْتُمْ أَلَسْتُمْ تَمَنَّوْنَ الرَّاحَةَ فِي الدُّنْيَا قَالُوا بَلَىٰ فَقَالَ الرَّاحَةُ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا مُسْتَحِيلَةٌ.
اعلام الدین / ۲۷۸

🌀 جوان در این دنیا به آرزوهایش نمی‌رسد

راست بگوییم به جوان‌هایمان. چقدر از جوان‌ها از اولین و تنها نامه اخلاقی که در صدر اسلام خطاب به جوان‌ها نوشته شده خبر دارند؟ نامه سی و یکم نهج البلاغه، نامه‌ای است که امیرالمؤمنین علی(ع) خطاب به جوان‌ها نوشتند؛ این نامه، یک متن کلیدی و راهبردی در تعلیم و تربیت است. هفت خصلت از خودشان می‌فرمایند: «مِنَ الْوَالِدِ الْفَانِ، الْمُقَرَّرِ لِلزَّمَانِ، الْمُسْتَسْلِمِ لِلدُّنْيَا» از پدر فانی، زمین خورده در مقابل زمان و قهر طبیعت؛ طبیعت بر من غلبه کرده و من تسلیم زمان شدم. هفت تا خصلت که همه‌اش به قول امروزی‌ها منفی است، بعد چهارده خصلت از جوان می‌شمارند: «الی المولود...»، یعنی به این تازه به دنیا آمده، به این جوان، به این تازه رسیده. «الی المولود الْمُؤْمَلِ مَا لَا يَدْرُكُ» به جوانی که به آرزوهایش نخواهد رسید.

جوان‌های مذهبی که فدای امیرالمؤمنین می‌شوید، آیا تا حالا کسی به شما گفته و مکرر گفته و مصرانه گفته که جوان تو در این دنیا بنا نیست به آرزوهایت برسی. کلاس می‌گذارند، پول می‌گیرند از مردم، می‌گویند ما بهت می‌گوییم چه جوری به آرزوهایت می‌رسی. دروغ می‌گوید، فقط ناراحتی‌ها را افزایش می‌دهد؛ «الی المولود الْمُؤْمَلِ مَا لَا يَدْرُكُ».

امام زین‌العابدین(ع) در کلام شریفی می‌فرماید «لَا تَطْلُبْ مَا لَمْ يُخْلَقْ» چیزی که خلق نشده نخواه! طرف برگشت گفت: «کیف يُطْلَبُ مَا لَمْ يُخْلَقْ؟» چه جوری بخواهم چیزی که خلق نشده؟ حضرت فرمود: مگر چیزهایی که می‌خواهی به خاطر راحتی نیست؟ گفت: خب چرا، فرمود «الرَّاحَةُ لَمْ تُخْلَقْ فِي الدُّنْيَا» راحتی در دنیا خلق نشده؛ (خصال صدوق/۱/۶۴)

خودت را راحت کن. ما می‌خواهیم جلوگیری کنیم از یک فساد عظیم. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد/۴) ما انسان را در رنج آفریدیم. این از اولین آیاتی است که جوان باید یاد بگیرد. بنده سال‌ها قبل با رفقایمان بررسی کرده بودیم در دوازده سال آموزش و پرورش، یک همچین آیه‌ای آموزش داده نمی‌شود. بعد باید دیده بشود آن اتاق فکری که تصمیم می‌گیرد کدام آیه آموزش داده بشود، آن کجاست؟ «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» ما انسان را در رنج آفریدیم. ما می‌خواهیم، انسان را در رنج آفریدیم.

پیامبر گرامی اسلام، یک عده جوان‌ها را دیدند، که به تعبیر امروزی‌ها دارند مسابقه قوی‌ترین مردان مدینه را اجرا می‌کنند، یعنی سنگ برمی‌داشتند ببینند چه کسی قوی‌تر است. حضرت آمدند بی‌رودربایستی بهشون فرمودند: خب، این مسابقه در جای خودش

خوب، ولی قوی‌ترین آدم کسی است که مخالفت بکند با دوست داشتنی‌هایش! (مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ص بِقَوْمٍ يَرْفَعُونَ حَجْرًا...؛ معانی الاخبار/۳۶۶)

اصل این مطلب را جا بیان‌دازیم، برای یهودی‌ها و زرتشتی‌ها و ارمنی‌ها و مسیحی‌ها و ادیان دیگر هم می‌توانیم این را جا بیان‌دازیم، این حرف دینی نیست، اصلاً نمی‌شود انسان را فریب داد. انسان زندگی‌اش با رنج عجین شده. شما نمی‌توانید رنج را حذف بکنید. مراقب راحت‌طلبی خودتان باشید. شیطان گول می‌زند آدم را. می‌گوید: «نه! این دفعه دیگر همه چی درست می‌شود. نه! این دفعه همه چی درست می‌شود...» نه! هیچ‌وقت درست نمی‌شود.

- آقا! شما این حرف را می‌زنی، عارضه‌اش این نیست که ما دیگر هیچی را درست نکنیم؟ - بله، خیلی از حرف‌های درست هست که اگر به آدمی که از شعور کافی برخوردار نیست بزنی، کج برداشت می‌کند. از آیات قرآن هم خوارچ یکج برداشت کردید، و می‌خواستند امیرالمؤمنین (ع) را بکشند. می‌گفتند: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ، إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ...». از آیه قرآن هم می‌شود بد برداشت کرد. بله، بعضی‌ها ممکن است از این حرف بد برداشت بکنند، و بگویند چون رنج را نمی‌شود حذف کرد، پس ما همین جوری می‌نشینیم رنج می‌کشیم. خب این یک برداشت احمقانه از این حرف است. زیبایی کار این است که:

- (۱) هم باید رنجت را کم کنی. چون اگر بخواهی رنج را از بین ببری، به خودت و دیگران ظلم خواهی کرد. لذا هم باید رنج خودت را کم بکنی،
- (۲) هم باید بدانی که در رنج در زندگی هست.
- (۳) و هم باید از رنجت، بهره‌برداری بکنی.

رنج هست، اما بعضی‌ها رنج می‌کشند، ولی آدم نمی‌شوند، رشد نمی‌کنند، و نابود می‌شوند. و بعضی‌ها رنج می‌کشند، آدم می‌شوند، رشد می‌کنند، قوی می‌شوند. یکی تصادف می‌کند می‌رود بیمارستان، بعد باید برود فیزیوتراپی و ورزش، یکی از روز اول رفته ورزش، والا رنج همه می‌کشند. رنج را نباید حذف کرد. ولی علیه راحت‌طلبی، ریشه‌ای باید قیام کرد.

🌀 مبارزه با راحت‌طلبی، محور خود سازی

علیه راحت‌طلبی قیام کردن، یک موضوع غریب است در جامعه ما، در حالیکه جایگاه بسیار اساسی دارد، کما اینکه محور مهم مبارزه با هوای نفس و مقابله کردن با دوست داشتنی‌ها، موضوع محوری در خودسازی، در دین، امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «نظامُ الدِّينِ مَخَالَفَةُ الْهَوَى؛ نظام دین مخالفت کردن با هوای دین است» (غررالحکم/۹۱۵۲)

و اول هوای نفس هم همین راحت‌طلبی است. آیا توانستی با راحت‌طلبی مبارزه کنی؟ از هفت سالگی که بچه با ادب تمرین مخالفت با راحت‌طلبی کرد، بعد چهارده سالگی می‌گویند با این لذت هم مقابله کن. دیگر عادت دارد به این کار. چون توی خانه تمرین

کرده؛ پای فیلم نشسته این را بهش یاد دادند و برایش جا افتاده است. امام صادق(ع) بنا بر نقل مصباح‌الشریعه می‌فرماید «تَفْسِيرُ الْعِبُودِيَّةِ» تفسیر عبودیت چیست؟ «بَدَلُ الْكُلِّ» همه چی را بدهی. «وَسَبَبُ ذَلِكَ» چی می‌شود که تو می‌توانی عبودیت داشته باشی همه چی را در راه خدا بدهی؟ «وَسَبَبُ ذَلِكَ مَنَعَ النَّفْسَ عَمَّا تَهْوَى» نفس خودت را باز بداری از آن چیزی که دلت می‌خواهد. «وَوَحْمَلَهَا عَلَيَّ مَا تَكْرَهُ» وادارش بکنی به چیزی که دوست ندارد. وادارش کن به چیزی که دوست ندارد. این می‌شود عاملش. «وَمِفْتَاحُ ذَلِكَ» کلیدش چیست؟ «تَرْكُ الرَّاحَةِ» راحت را باید بگذاری کنار. (مصباح‌الشریعه/۷)

یاد آن شهیدایی بخیر که زیاد مربی اخلاق نداشتند، اما از آب کره می‌گرفتند. مکرر خاطرات‌شان را شاید شنیده یا خوانده باشید. یکبار می‌رفت جبهه برمی‌گشت، مامانش تشک می‌انداخت، می‌گفت: پسرم بخواب. می‌گفت من روی تشک می‌خوابم دلم می‌گیرد، روی زمین می‌خوابید. می‌گفت دلم می‌گیرد.

از اول شروع کن، وسط راه خودت را معطل نکن. هی می‌خواهی بروی روی حجاب کار کنی، روی نماز خواندنش کار کنی. این آدم راحت‌طلبی او را کشته. گوش نمی‌دهد به این حرف‌ها. ایمان به خدا هم دارد، اما عادت نکرده، تمرین نکرده، فرهنگ برایش نشده. در روایت دیگر امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «بِالتَّعَبِ الشَّدِيدِ تُدْرِكُ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةَ وَ الرَّاحَةُ الدَّائِمَةُ» (غررالحکم/۱۶۸) با سختی‌های شدید درجات رفیع درک می‌شود.

فرهنگ مبتنی بر مبارزه با هوای نفس، تمدن مبتنی بر هواپرستی غرب را نابود خواهد کرد / چه کسی سران اتحادیه اروپا را پررو کرده؟!

این یکی از حرف‌ها نیست، بلکه اصل مسیری است که تو باید طی بکنی. این فرهنگی که مبتنی است بر مبارزه با هوای نفس، تمدن غرب را که مبتنی است بر هواپرستی، نابود خواهد کرد.

اخیراً سران مزخرف اتحادیه اروپا، دور هم نشستند درباره ایران چه نسخه‌ای نوشتند؟ کلمات قبیحی که ما در جلسات محترمانه اصلاً این کلمات قبیح را یاد نمی‌کنیم، که حتی بخواهیم علیه‌اش حرف بزنیم. شدت هواپرستی در جوامع غربی، به همجنس‌بازی کشیده شده. برای حقوقی کردن یک همجنس‌مزخرفاتی که از نتایج زندگی هواپرستانه است، می‌خواهند بیایند دفتر بزنند یک همجنس‌چیزهایی را در کشور ما رواج بدهند. چه کسی اینها را پررو کرده؟! چه کسی به آنها چراغ سبز نشان داده؟! خدایا! کسانی که به دشمنان ما چراغ سبز نشان می‌دهند، چراغ‌شان را کور کن. مملکتی که مبتنی باشد بر مبارزه با هوای نفس، و این را در فرهنگش علم کند، ناامید می‌شود دشمن.

تفسیر زندگی انسان، مدیریت رنج برای «کاهش رنج نابجا» و «مفید قراردادن رنج»

آقا! راحت‌طلبی‌مان را چی کار کنیم؟ عزیز من! رنج و راحتی را در دنیا باید مدیریت کرد. رنج را نمی‌توانی حذف بکنی، باید مدیریت کنی. راحتی هم قطره‌چکانی بهت می‌دهند. «وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ» (یس/۶۸) هر کسی را ما پیر می‌کنیم، بدنش را ضعیف می‌کنیم، استخوان‌هایش شکننده می‌شود. خداوند متعال در این باره‌ها صریح با ما سخن می‌گوید.

فرهنگ دینی ما را نگاه کنید، جالب است، یک جایی در محیط مذهبی من این‌جور آیات قرآنی را کنار هم‌دیگر گذاشتم، یکی از جوان‌ها -من تعجب می‌کنم، جوان که باید خیلی شیر باشد، یل باشد، اهل سختی کشیدن باشد- آمده می‌گوید: «آقا! شما حال ما را گرفتی با این دین و خدایی که معرفی کردی.» می‌گویم: «یعنی چی حال شما را گرفتم؟ مگر آیات قرآن نبود؟» من هم اتفاقاً مراعات می‌کردم، آیه قرآن می‌خواندم، بعد می‌گفتم به فلسفه‌اش دقت بکنید. توی مقدمه بحث بود، انکار می‌کرد. ناراحت شده بود! ناراحتی‌اش را ابراز می‌کرد. می‌گفت: «یک کمی از رحمت خدا هم بگو.» آقا! مگر من از غضب خدا دارم صحبت می‌کنم؟ من از رنج طبیعی انسان که مظهر رحمت خداست دارم صحبت می‌کنم. خدا عین رحمتش است که تو را رنجور آفریده. از رحمت خدا صحبت بکن یعنی چه؟ مگر من از غضب خدا صحبت کردم؟ چقدر فاصله‌ها زیاد است.

رنج را مدیریت باید کرد. چه‌گونه می‌شود رنج را مدیریت کرد؟ رنج را مدیریت کن دو تا اتفاق برایش بیفتد: یکی اینکه رنج نابه‌جا نکشی؛ «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه/۱۲۴) هر کسی از ذکر من دوری کند، من زندگی‌اش را سخت خواهیم کرد. چرا رنج بی‌جا می‌کشی؟ یک دفعه‌ای می‌روی یک صاحب‌نفس پیدا می‌کنی می‌گویی این مریضی چرا آمده سراغ من؟ می‌گویند فلان لقمه حرام را خوردی، بهت نمی‌ساخته، این مریضی حالا تا یک هفت هشت سال دیگر هست. ده برابر پول خرج باید بکنی. چرا رنج اضافی بکشی؟

تفسیر زندگی انسان این است: مدیریت کردن رنج. برای کاهش دادن رنج نابه‌جا، این یک کار. مدیریت رنج یک رکن دیگر هم دارد. از رنج‌هایت استفاده کن. رنج می‌بری مقرب بشو؛ مثلاً طرف می‌رود حرام امام رضا(ع) گریه می‌کند، غصه دارد، ته غصه‌هایش را که نگاه می‌کنی حسادت است. بابا! غصه از سر حسادت اصلاً خوب نیست بخوری. این غصه که تو را مقرب نمی‌کند عزیز من. اصلاً چرا این غصه را بخوری؟ یا ته رنجش را که نگاه می‌کنی، می‌بینی غرورش است. آخر چرا؟ یک رنجی بکش که تعالی پیدا کنی.

🏆 ورزش و تحصیل، دو نمونه از رنج‌های مفید

مدیریت کردن رنج، برای این دو تا امر است، یکی از بین بردن رنج نابه‌جا و یکی مفید قرار دادن رنج. مثلاً چندتا رنج خوب پیشنهاد بدهم؛ یکی از برنامه‌های معقول برای مدیریت رنج، ورزش است. در ورزش خودت به استقبال یک خستگی می‌روی، تا یک راحتی جایش بیاید. بعد این خستگی هم تنومندترت می‌کند. چقدر خوب است، بارک‌الله.

رنج دیگری که من پیشنهاد می‌دهم، رنج تحصیل است. رنج تحصیل را هم تحمل بکن. ببین چقدر مشاعرت باز می‌شود، چقدر تعالی پیدا می‌کنی، چقدر هوس‌هایت کاهش پیدا می‌کند. یکی از راه‌های مقابله با شهوت، حکمت است. عقلانیت خودت را افزایش بدهی، شهوات کاهش پیدا می‌کند. آدم فهمیده که شهوت‌ران نمی‌شود.

یک پیشنهاد دیگر، یک کمی دینی‌تر؛ «جهاد» نامی است برای مدیریت کردن رنج؛ می‌روی به استقبال رنج، جهادگرانه، آن وقت بسیاری از رنج‌های نابه‌جا را کاهش می‌دهی. بعد بالاخره رنج که هست عزیز من، حالا بنا بوده در تصادف دستت بشکند، در راه دفاع از خدا دستت شکسته. بارک الله! بارک‌الله! رنجت را مفید قرار بده. هر کسی باید یک وقتی بمیرد دیگر. یا در تصادف یا بیماری یا در راه خدا به شهادت می‌رسد.

در مجلس ختم این شهیدی که در اثر نهی از منکر، با اراذل و اوباش برخورد کرده بود، شرکت می‌کردم، واقعاً نمی‌توانستم ابتهاج خودم را پنهان کنم، اصلاً نمی‌توانستم به خانواده ایشان تسلیت بگویم. در شرایطی که سالانه چندصد و چندهزار جوان، به دلایل واهی از دنیا می‌روند، رنج جان دادن این شهید برای چی شد؟ رنج بیماری‌اش، دو سال، خانه‌شان را فروختند خرج بچه‌شان کردند. برای چی خانه‌شان را فروختند؟ برای چی بچه‌شان بیمارستان بود؟ به خاطر خدا. به به چقدر زیباست. رنج خوب بکش.

آقایسر یکی از خادمین حضرت امام در نجف، که اهل افغانستان شریف هم هستند، به بنده می‌فرمود پدرم می‌فرمودند که بانوی مکرمه حضرت امام مشخصات فرمودند برو یک خرما می‌خیلی سفت و خشک، یک خرمایی آدرس دادند، از آنها بخر بیاور. من رفتم آوردم، اما مقبول نیفتاد. فرمودند: نه، اینها را نمی‌گویم، سفت‌تر باشد. دیگر رفتم یک خرما فروشی، چیزهایی که می‌خواست تقریباً بریزد دور گرفتم آوردم. بعداً پرسیدم که مادر! اینها را برای چی می‌خواستید؟ فرمود: امام شب‌ها می‌نشینند مطالعه می‌کنند، من می‌خواهم این خرما خشک را بگذار زیر زبانش، هم فشارش پایین نیاید، هم یک تغذیه‌ای شده باشد؛ بعد رنج امام را در مطالعه شبانه بیان می‌کردند. من اصلاً ماندم همین جوری.

همین جوری مگر کسی به جایی می‌رسد؟ امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید وسط روز می‌رفت دنبال کار کردن برای معاش. می‌فرمود من می‌خواهم سختی کار کردن برای

تأمین معاشم را خدا ببیند. (كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ يَخْرُجُ فِي الْهَاجِرَةِ فِي الْحَاجَةِ قَدْ كُفِيَهَا يُرِيدُ أَنْ يَرَاهُ اللَّهُ تَعَالَى يَتَعَبُ نَفْسَهُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ. من لايحضره الفقيه/۱۶۳/۳)

تفاوت مدیریت عاقلانه رنج با فرار ابلهانه از رنج

جامعه راحت طلب که به جایی نخواهد رسید. تفسیر زندگی یعنی مدیریت رنج. یعنی به استقبال رنج برو و مدیریت عاقلانه رنج، خیلی متفاوت است با فرار ابلهانه و احمقانه از رنج. فرهنگ غربی ما را به فرار احمقانه از رنج دعوت می‌کند. فرهنگ اسلامی ما را به استقبال عاقلانه از رنج دعوت می‌کند. از دل چنین فکر و فرهنگی، جهاد برمی‌خیزد. امیرالمؤمنین علی(ع) چی می‌فرمودند؟ به استقبال بروید سختی‌ها را، سختی‌ها کاهش پیدا خواهد کرد و الا سختی‌های بدتری نصیب‌تان خواهد شد، رنج اضافی هم خواهید کشید، مگر می‌تواند کسی رنج نکشد؟ (إِنَّ لِلتَّكْبَاتِ غَايَاتٍ لَا بَدَّ أَنْ تَنْتَهِيَ إِلَيْهَا فَإِذَا أَحْكَمَ عَلَيَّ أَحَدِكُمْ لَهَا فُلَيْطَاطُيُّ لَهَا وَ يَصْبِرُ حَتَّى تَجُوزَ فَإِنَّ إِعْمَالَ الْحِيلَةِ فِيهَا عِنْدَ إِقْبَالِهَا زَائِدٌ فِي مَكْرُوهِهَا. التمهيص/۶۴ و تحف العقول/۲۰۱)

در سوره توبه، اینقدر خدا از تنبلی‌های راحت طلب جهاد نرو، بدش می‌آید، که می‌فرماید پیغمبر من! در آیه هشتاد و سه، اگر اینها که ازت اجازه گرفتند جهاد نیایند بنشینند، با پیرزن‌ها نشستند نیامدند جهاد، اگر دفعه بعد برگشتی آمدند ازتون اجازه بگیرند برای جهاد، بگو شما هرگز با من جهاد نخواهید آمد، بروید بنشینید با همان کسانی که نشسته بودید. اصلاً دیگر لیاقت بهشون نمی‌دهد برای برخاستن. (فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُواكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَ لَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَافْعَدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ. التوبة / ۸۳)

در یک سوره دیگری، از سوره‌های نازنین قرآن، می‌فرماید: «وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ» چرا سوره‌ای نازل نمی‌شود؟ مؤمنین می‌گویند چرا سوره‌ای نازل نمی‌شود برای جهاد؟ یک سوره نازل بشود که در آن خدا فرمان جهاد بدهد، چشم. «فَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةً وَذَكَرَ فِيهَا الْقِتَالَ» وقتی که یک سوره‌ای نازل بشود که دستور جنگ تویش داده، «رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ» می‌بینی کسانی که قلبشان مریض است، عین مرده‌ها بهت نگاه می‌کنند. انگار دارد می‌میرد از ترس. ترسیم خدا را ببینید. بعد می‌فرماید که «فَأُولَىٰ لَهُمْ» همان مرگ هم برایشان بهتر است. چرا آیه قرآن برای جهاد نازل می‌شود مثل مرده‌ها نگاه می‌کنی؟ می‌ترسی چرا؟ خواهش می‌کنم آیات قرآن را در این باره مطالعه بفرمایید.

نگاه امام خمینی به راحت طلبی

درباره راحت طلبی، حضرت امام(ره) چه فرمودند؟ خلاصه‌اش کنم برای شما، جملات در

صحیفه حضرت امام هست، چند فرازش را بیشتر نمی خوانم. حضرت امام (ره) می فرماید: «از صدر اسلام تا کنون، دو طریقه، دو خط بوده است.» خط چپ و راست ما نداریم. نمی دانم چی و چی نداریم. اسم هایی که بعضی وقتها من در آوری درست می کنند. یک گروه اندکی برای اینکه خودشان را بزرگ نشان بدهند، اسم گروه انبوه دیگری را یک اسم می گذارند سرشان؛ از این بازی هایی که اهل سیاست و ژورنالیسم سیاسی بیشتر درمی آورند.» امام می فرماید، صحیفه امام جلد ۱۴، صفحه ۵۱۹، چون همه کلام را نمی توانم بخوانم، آدرسش را خواندم برایتان، الان دیگر در هر کامپیوتر و اینترنتی راحت می توانید آخر شب مطالعه کنید، بعد بگیرید بخوابید.

می فرمایند: «از صدر اسلام تا کنون دو طریقه، دو خط بوده است. یک خط، خط اشخاص راحت طلب که تمام همّت شان به این است که یک طعمه ای پیدا بکنند و بخورند و بخوابند و عبادت خدا هم آنهايي که مسلمان بودند می کردند. [یعنی راحت طلب، مسلمان و غیر مسلمان ندارد.] اما مقدم بر هر چیزی در نظر آنها، راحت طلبی بود. در صدر اسلام از این اشخاص بودند.» بعد، می آورد توضیح می دهد حضرت امام، تا می رسد به نهضت ما. فرمود در نهضت ما هم این جور آدم ها بودند. بعد مثال آدمش را می زند، حرف های آن آدم را بدون اینکه نامش را ببرد، ذکر می کنند.

بعد می فرماید که «یک دسته این طور هستند، [یعنی راحت طلب هستند.] حضرت امیر(ع) از اینها تعبیر می کند که اینها همّشان علفشان است. مثل حیواناتی که همّشان این است که شکمشان سیر بشود، شهوتشان را بر همه چیز مقدم می دارند. نماز هم می خوانند، روزه هم می گیرند. عبادت شرعی را هم به جا می آورند. لکن این طور است وضع تفکر که: انسان نباید خودش را در معرض یک خطری، در معرض یک چیزی قرار بدهد، و این کاری که این ملت شریف اسلام کردند، این کار یک کار جنون آمیز بوده است!» (صحیفه امام/۱۴/۵۱۹)

در عبارت دیگری از عبارت های حضرت امام، در جلد ۱۲، صفحه ۴۸۷، می فرماید: «منتظر این نباشید که راهتان راه خدا و راه حق باشد و همیشه در راه باشید. آنهايي در راه اند که راهشان راه خدا نیست. همیشه امثال مستکبران که راهشان راه خدا نبوده و غافل از همه مراتب انسانیت بوده اند در راه بودند و در عیش و عشرت. و اشخاصی که برای خدا و بندگان خدا خدمت می کردند، در زحمت و رنج بوده اند.»
طمع اش را بکنیم. خوشبختی به خوب رنج کشیدن است، نه به رنج نکشیدن که دروغ است، اصلاً نیست.

ادامه دارد فرمایشات حضرت امام، می فرماید: «خب تکلیف چیست؟ [یعنی در مقابل این سختی هایی که همراه می کنند. مثلاً هجوم می کنند، می کشند افراد را، ایجاد مزاحمت

می‌کنند، بمب می‌گذارند و ... [تکلیف این است که حالا ما رها کنیم آن طریقهٔ اسلام را؟ و آن طریقهٔ انبیاء را؟ و راحت‌طلبی را انتخاب کنیم و چند روز ادامهٔ زندگی حیوانی بدهیم؟ با حیوانات فرق نداشته باشیم؟ حیوانات هم «إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبَحُ بِحَمْدِهِ» حیوانات هم تسبیح خدا می‌کنند. [یعنی نبنید احياناً اینها بعضی‌هایشان راحت‌طلب هستند و نماز می‌خوانند. مگر حیوان چیز بدی است؟ حیوان هم تسبیح می‌کند.] آنها هم ذکر و تسبیح دارند. لکن هم‌شان علف‌شان است. [امام به راحت‌طلب‌ها می‌فرماید مانند حیوان هم‌شان علف‌شان است اگرچه نماز بخوانند.] انسان هم باید این‌طوری باشد که هم‌ش علفش باشد و هر چه ذلت و خواری است تن به آن بدهد. برای اینکه این چند روز زندگی مرفه بکنند؟!]

🔗 اسلام راحت‌طلبی، همان اسلام آمریکایی است

بعدها اسلام راحت‌طلبی را حضرت امام (ره) معرفی می‌کنند به اسلام آمریکایی. بگذارید یک آماری از صحیفهٔ حضرت امام دربارهٔ کلمهٔ اسلام آمریکایی و اسلام ناب برای شما بگویم. از کلمهٔ اسلام آمریکایی حضرت امام ۱۸ بار استفاده کردند. ۱۷ بارش در دو سال آخر عمر شریف‌شان بوده. ۱۵ بار از این هفده‌بار، بعد از قطعنامه بوده. حضرت امام اواخر احساس می‌کردند جریانی توی خود همین بچه‌های انقلابی، دنبال اسلام آمریکایی هستند. و بعد اینها را معرفی کردند، شما جلد آخر صحیفهٔ امام را واجب است بروی بخوانی.

از «اسلام ناب» ۳۴ مرتبه استفاده کردند که هر سی و چهار مرتبه‌اش در دو سال آخر عمر شریف‌شان بوده. از این ۳۴ مرتبه، ۳۲ مرتبه‌اش بعد از پذیرش قطعنامه بوده. قطعنامه پذیرفته شد، ولی نگرانی حضرت امام باقی بود، که مبدا مملکت به سمت راحت‌طلبی مملکت برود. بروید پیدا کنید. دوتا جریان هست، در جامعهٔ ما هم دوتا جریان هست. جریان راحت‌طلب، جریان جهادگر. البته در هر جریانی ممکن است بالاخره اشتباه‌هایی رخ بدهد، یک کسی اشتباهی رفته باشد آن طرف، یک کسی اشتباهی آمده باشد این طرف. این مسائل را باید کنترل کرد.

الان به ما می‌گویند راحت‌طلب باش، بعد می‌روند یک عده‌ای را به عنوان جهادگر درست می‌کنند، که بیابند سر بزنند. یک مطالعه‌ای هم آن طرف بکنید. چه‌جوری آن جوان‌ها را آوردند به عشق جهادگری، به عنوان قاتل درست کردند؟

منتظر این نباشید که راهتان راه خدا و راه حق باشد و همیشه در رفاه باشید. آنهایی در رفاه‌اند که راهشان راه خدا نیست. همیشه امثال مستکبران که راهشان راه خدا نبوده و غافل از همهٔ مراتب انسانیت بوده‌اند در رفاه بودند و در عیش و عشرت. و اشخاصی که برای خدا و بندگان خدا خدمت می‌کردند، در زحمت و رنج بوده‌اند.

بعد از مطالعه، این جزوه را به دست دیگر هم جبهه‌ای‌ها برسانید! همچنین می‌توانید فایل جزوات را از پایگاه اینترنتی قرارگاه شهید باقری (q-b.ir) دریافت و به نام تشکل خودتان چاپ کنید.

